

تحلیل مقایسه‌ای نظام بهره‌برداری از زمین در کردستان و نظام بهره‌برداری گروهی (بنه) در دوره قبل از اصلاحات ارضی

حمید عبداللهیان* - دانشیار گروه ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران،

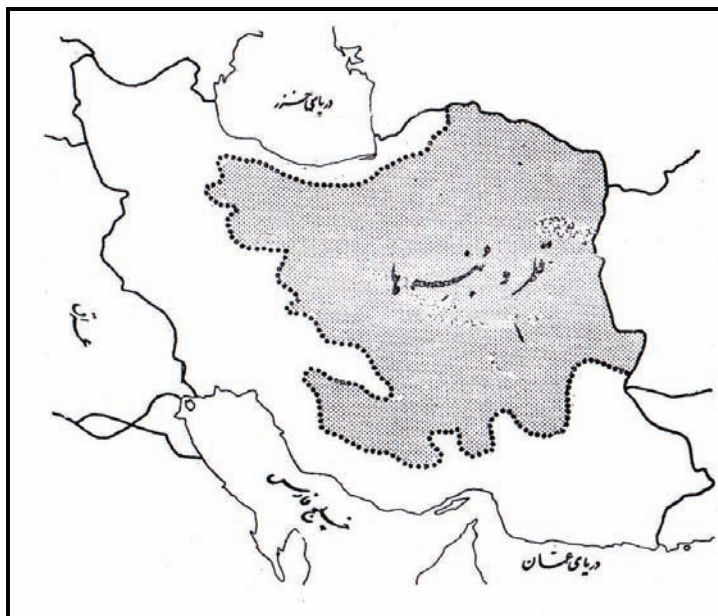
سروه فتاحی - کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۶/۶ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۸/۱۱

چکیده

مقاله حاضر با نشان دادن اختلاف نظرها و مناقشه‌های موجود درباره محدودۀ جغرافیایی نظام بهره‌برداری گروهی (بنه) در ایران به طرح مسئله در باب ناشناخته ماندن نظام بهره‌برداری از زمین در کردستان می‌پردازد. هدف پژوهش این است که با استفاده از این رویکرد انتقادی، محدودۀ جغرافیایی بنه‌ها در ایران را با تأکید بر نظام بهره‌برداری ارضی در کردستان به حوزه شناخت درآورد و با نظام بهره‌برداری گروهی و ویژگی‌های آن مقایسه کند. برای ارائه این شناخت و مطالعه نظام بهره‌برداری ارضی در کردستان در دوره قبل از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۲ و تطبیق آن با نظام بهره‌برداری گروهی (بنه)، از روش‌های ترکیبی تحقیق کیفی یعنی روش تاریخی - تطبیقی استفاده شده است. علاوه بر این، برای گردآوری داده‌ها از مطالعات اسنادی و مصاحبه‌های نیمه‌سازمان‌یافته از جمله داده‌های مربوط به روایت‌ها استفاده شده است. روایت‌های جمع‌آوری‌شده دسته‌بندی گردیده و سپس دو نوع نظام بهره‌برداری ارضی مذکور با هم مقایسه شده است. نتایج به دست آمده از مطالعات تطبیقی در پژوهش حاضر ضمن ایجاد شناخت از نظام بهره‌برداری ارضی در کردستان در دوره قبل از اصلاحات ارضی، نشان می‌دهد که بهره‌برداری مبتنی بر مزارعه در ایران، مصادیق مختلفی دارد که تحلیل‌های ارائه‌شده از آن بر همه مصادیق آن صادق نیست.

کلیدواژه‌ها: نظام بهره‌برداری گروهی، بنه، مزارعه، کردستان.



شکل ۲. نقشه قلمرو واحدهای سنتی تولید زراعی جمعی

منبع: صفی‌نژاد، ۱۳۶۸، نقشه شماره ۲۳

برای طرح مسئله ابتدا لازم است اشاره شود که نظام بهره‌برداری ارضی مبتنی بر مزارعه در ایران در دوره پیش از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۲ خورشیدی عمدتاً تحت عنوان بهره‌برداری گروهی شناخته می‌شده و در مناطق مختلف ایران با عناوین متفاوتی همچون: «بنه»، «صحرا»، «حراثه» و جز آن معرفی می‌شده است. این نظام دارای ویژگی‌ها و نظام اجتماعی مخصوص به خود است. اما در خصوص محدوده جغرافیایی نظام بهره‌برداری گروهی (بنه‌ها) در ایران نظرهای متفاوتی وجود دارد. آن‌چنان که لمبتون در صفحات مختلفی از کتاب خود و به ویژه در فصل‌های ۱۶ و ۲۳ از وجود بنه‌ها در اسدآباد همدان و بروجرد و ورزقان آذربایجان و خیر و جهرم و داراب و قراپولاغ فارس و باشت و ممسنی و مناطقی از سیستان و بلوچستان و استان کرمان و خراسان و عقیلی شوشتر، کردستان و... سخن می‌گوید (لمبتون، ۱۳۴۵، ۳۸، ۳۱۹،

۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۵، ۵۲۶، ۶۴۰، ۶۴۴، ۶۴۶، ۶۴۸)، فرهادی (۱۳۸۵، ۲۶۰) نیز گستره جغرافیایی بنه‌ها را مطابق شکل ۱ سراسر ایران می‌داند و شهرهایی از استان کردستان را نیز در این نقشه نشان داده‌اند که در حوزه تحت پوشش و قلمرو بنه‌ها محسوب شده‌اند. اما صفی‌نژاد (۱۳۶۳، ۲۹۶) برخلاف فرهادی، معتقد است که: «واحدهای تولید زراعی جمعی منحصراً در منطقه کم‌باران نیمه شمالی منطقه شرقی» مطابق شکل ۲ به وجود آمده‌اند. در این شکل استان کردستان خارج از محدوده جغرافیایی بنه‌ها معرفی شده است. طالب (۱۳۸۴، ۳۹۲) نیز می‌نویسد: «بدیهی است عواملی چند از جمله کمبود آب و پایین بودن میزان بارندگی‌های سالانه، علت وجودی واحدهای تولید گروهی را در برخی از مناطق توجیه می‌کند. در مناطقی نظیر گیلان، بخشی از مازندران، آذربایجان و کردستان به این نوع واحدها برخورد نمی‌شود». آن گونه که ذکر آن رفت در مورد محدوده جغرافیایی بنه‌ها توافق نظر وجود ندارد و کردستان از مناطقی است که در مورد آن مناقشه وجود دارد. بر این اساس برای پاسخ به پرسش‌های مقاله لازم است نتایج پژوهش درباره نظام بهره‌برداری از زمین در کردستان ابتدا روشن‌تر گردد و سپس به مقایسه این نظام با بنه‌ها پرداخته شود. ضمناً از آنجا که روش منطقی تحلیل این مطالعه از نوع استقرایی است، بنابراین قبل از آنکه به شرح طرح نظری مقاله پردازیم، ابتدا روش‌شناسی شرح داده می‌شود و سپس به تدوین طرح نظری خواهیم پرداخت.

پیشینه تحقیق درباره نظام بهره‌برداری از زمین در کردستان

پیشینه تحقیق شامل دو بخش است. نخست پژوهش‌هایی که نظام بهره‌برداری در سراسر ایران را شامل می‌شود و سپس پژوهش‌هایی که به طور اختصاصی به کردستان پرداخته‌اند، بخشی از آثار مهم در این زمینه عبارت‌اند از:

۱- پژوهش‌های مرتبط با نظام بهره‌برداری ارضی در سراسر ایران: «بنه در ایران» تألیف جواد صفی‌نژاد، این کتاب نظام بهره‌برداری گروهی در ایران را تحت عنوان «بنه» به صورت مفصل توصیف و تشریح کرده است. کتاب «مالک و زارع در ایران» تألیف لمبتون، این کتاب

علاوه بر سیر تاریخی نظام زمین‌داری در ایران، نظام بهره‌برداری در سراسر ایران را نیز مورد توجه قرار داده است. «مالکیت و بهره‌برداری از زمین در ایران» تألیف اختر رحمانی، این کتاب شیوه‌های مالکیت و بهره‌برداری ارضی را در ایران از هخامنشیان به بعد مورد توجه قرار داده است. «مسئله زمین‌داری و جنگ طبقاتی در ایران» تألیف باقر مؤمنی، این کتاب نظام مالکیت ارضی، شیوه مزارعه و مواردی از این دست را در ایران مورد مطالعه قرار داده است.

۲- پژوهش‌های مرتبط با نظام بهره‌برداری در کردستان: «جامعه‌شناسی مردم کرد، ۱۳۷۸» این کتاب بیشتر به کردستان واقع در خاک ترکیه پرداخته، و نوشته‌های آن در مورد کردهای ایران بسیار کم و به گفته خود بروین سن، به عنوان یک جهانگرد در ایران است و نه یک محقق. «بررسی اوضاع طبیعی، اقتصادی و انسانی کردستان، در نمونه کردستان مکری، ۱۳۴۵» تألیف حبیب‌الله تابانی، که در فصلی از کتاب «مونوگرافی‌ای از روستای اندرقاش در بهمن ماه ۱۳۴۴»- که هنوز در آنجا نظام مالکیت حاکم بوده- انجام داده است. کتاب «کردستان و کورد، ۲۰۰۷» تألیف ع.ق. فصلی از این کتاب تحت عنوان «شیوه‌های مالیات بر زمین» به وضعیت کشاورزی و شیوه‌های مالیات‌دهی در دوره ارباب - رعیتی در کردستان می‌پردازد. «آیین سنندج، ۱۳۷۱» اثر برهان ایازی، این کتاب خاطرات و دانسته‌های مؤلف است درباره شهرستان سنندج از آنچه دیده و شنیده، همچنین اطلاعات مفیدی در مورد نظام ارباب - رعیتی نیز دارد. کتاب «دیوانی صه‌بور و تاریخچه قه‌لای حه سه‌ن ناوا و ژبانی فه‌لاکان له رابردودا^۱»، تألیف ماموستا اسماعیل که در مقدمه کتاب خود به طور مفصل خاطراتش را درباره نظام زمین‌داری در دوره ارباب رعیتی در روستای حسن‌آباد نقل کرده است. پایان‌نامه‌ای تحت عنوان: «نظام آبیاری و زمین‌داری در سلیمانکندی کردستان»، نوشته قادر عبدی پویا در سال ۱۳۵۴ به راهنمایی دکتر خسرو خسروی، اطلاعات خوبی درباره روستای سلیمانکندی از توابع شهرستان سقز در مورد دوره قبل از اصلاحات ارضی در دسترس خوانندگان قرار می‌دهد.

۱. این کتاب تاریخ چاپ ندارد.

کتاب «جوگرافیای کردستان، ۲۰۰۰» نوشته عهبدالله غفور، اطلاعاتی درباره وضعیت کشاورزی کردستان در اختیار می‌گذارد.

این آثار اگر چه اطلاعات مفیدی درباره نظام زمین‌داری در کردستان قبل از اصلاحات ارضی در دسترس خوانندگان قرار می‌دهند، اما اطلاعات‌شان جامع نیست و لازم است مطالعه جدیدی صورت گیرد، که در مقاله حاضر کوشش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است.

روش‌شناسی تحقیق

روش‌شناسی مقاله حاضر براساس رویکرد روش‌شناختی کیفی تدوین شده و با استفاده از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی سعی شده است تا زوایای نظام بهره‌برداری گروهی و نظام بهره‌برداری در کردستان مورد مطالعه قرار گیرد. در این زمینه از طریق مطالعات اسنادی و مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته در سطح استان کردستان داده‌ها گردآوری شدند و با استفاده از رویکرد تاریخی - تطبیقی مورد تحلیل قرار گرفتند.

جامعه مورد مطالعه، شیوه نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه مورد مطالعه این تحقیق در بخش مطالعات میدانی روستاهای استان کردستان است، نمونه‌گیری نیز از جنس نمونه‌گیری کیفی است. منطق این‌گونه نمونه‌گیری بر این اصل استوار است که: «در مطالعات کیفی تکرار اطلاعات قبلی و یا تکرار تم‌ها و یا نکات برجسته، نشانه کفایت حجم نمونه است» (حاج‌باقری، ۱۳۸۶، ۳۶). بر این اساس نخست چهار قطب جغرافیایی استان به علاوه مرکز استان انتخاب شد و سپس با استفاده از نمونه‌گیری کیفی ۲۳ مصاحبه در روستاها در جهت‌های جغرافیایی مذکور انجام شد. آنچه موجب اتمام مصاحبه‌ها شد تکرار اطلاعات قبلی و به اشباع رسیدن داده‌ها در جهت‌های جغرافیایی با ویژگی‌های اقلیمی متفاوت بود.

همان‌طور که اشاره شد، روش تحقیق مقاله روش تاریخی - تطبیقی است. انتخاب این روش

بدان دلیل صورت گرفته است که: ۱- محققان قصد دارند جنبه‌هایی از زندگی اجتماعی را به حوزه شناخت بیاورند که به واحد مشخصی اختصاص ندارند؛ و ۲- از آنجا که مطالعات تطبیقی به بهبود مفهوم‌سازی منجر می‌شوند، مطالعه حاضر نیز به منظور کمک به بهبود مفهوم‌سازی در زمینه نظام بهره‌برداری ارضی در ایران، روش مذکور را انتخاب کرده است (برای آشنایی بیشتر به محمدپور، ۱۳۸۹، ۳۶۰، ماهونی و دیگران، ۲۰۰۳، ۵-۶، لوبرا، ۱۹۹۸، ۷۳ مراجعه شود).^۱

گردآوری و تحلیل داده‌ها

داده‌های این مقاله متشکل از روایت‌هایی است که از طریق مصاحبه‌ها و مطالعات اسنادی به دست آمده‌اند. در بخش مطالعات میدانی پس از طراحی پرسش‌های مصاحبه، گردآوری داده‌ها از یکی از روستاهای قدیمی و باستانی کردستان - یعنی روستای پالنگان از توابع شهرستان کامیاران آغاز شد و مطالعه در سطح استان کردستان ادامه یافت. در این زمینه کوشش شده است به مکان‌هایی مراجعه شود که بنا بر ویژگی‌های متفاوت اقلیمی آنها احتمال می‌رفت یافته‌های قبلی در مورد نظام ارضی کردستان را به چالش بکشند.

در بخش مطالعات اسنادی نیز کوشش شد روایت‌های موجود در مورد نظام بهره‌برداری ارضی گروهی و همچنین نظام بهره‌برداری در کردستان گردآوری شوند.

شرح نظام مزارعه و بازتاب معرفتی آن در شناخت نظام بهره‌برداری از ایران

از منظر زبان‌شناسی، واژه مزارعه مبنای خوبی برای شروع بحث است چرا که مزارعه در مصدر باب مفاعله از ماده «زرع» قرار دارد و به معنی با هم کاشتن یا قرار گذاشتن، یا دلالت بر قرار کشت بر فصلی معین داشته و دارد. اگرچه معنای این واژه چنین ایجاب می‌کند که هر دو

1. Mahoney (2003); Llobera (1998).

طرف اقدام به زراعت کنند، اما در عمل یکی از طرفین زمین را واگذار می‌کرد و طرف دیگر به زراعت می‌پرداخت (خسروی، ۱۳۵۷، ۳۳ به نقل از شرح‌اللمعه، ۴۴). در نظام مزارعه، دهقان با افزار کار خود روی زمین متعلق به مالک کشت و کار می‌کند و در سر خرمن قسمتی از محصول را به عنوان بهره یا سهم مالکانه به صاحب زمین می‌دهد. در این روش تقسیم محصول بر اساس کار و سرمایه یعنی ۵ عامل مهم کشاورزی (آب، زمین، بذر، دهقان، گاو) قرار داشت و برای هر یک از عوامل پنج‌گانه سهمی در نظر گرفته می‌شد؛ مثلاً مالکی که زمین و آب در اختیار زارع می‌گذاشت از پنج سهم، دو سهم و اگر بذر هم می‌داد سه سهم و چنان‌که گاو هم از آن او بود چهار سهم از بهره حاصل را بر می‌داشت. زارعی که فقط کار می‌کرد بزرگ‌خوانده می‌شد و یک سهم از محصول را در ازای کار خود برمی‌داشت. این تقسیم بهره بر اساس عرف و عادت محلی و نوع محصول از قبیل آبی و دیمی، شتوی، صیفی، نحوه آبیاری با آب رودخانه و چاه و قنات در نواحی مختلف فرق می‌کرد (رحمانی، ۱۳۴۸، ۱۶۹، عمید، ۱۳۸۱، ۵۹-۵۸، الوندی، ۱۳۶۱، ۴۱۴، مؤمنی، ۱۳۵۹، ۳۶).

پتروشفسکی (۱۳۴۴، ۹۸) شیوه مزارعه را در تابعیت و وابستگی مداوم روستاییان ایران به فئودال عامل مؤثری می‌داند و در این زمینه می‌نویسد: «مزارعه در اکثر موارد فقط از لحاظ حقوقی و ظاهری صورت اجاره داشته و مستلزم وجود موافقتی میان صاحب ملک و روستایی مزارعه‌کار بوده، ولی در واقع شکلی بوده است از تابعیت روستاییان نسل بعد نسل در برابر مالک فئودال... رواج شیوه مزارعه فئودالی در ایران و کشورهای مجاور آن یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فئودالیسم بوده است و به موازات دامداری صحرانشینی و نیمه پدشاهی و بقایای برده‌داری، یکی از علل اصلی رکود و عقب‌ماندگی اقتصاد کشاورزی ممالک مذکور شمرده می‌شود. با شیوه مزارعه تناسب بین محصولی که برای تجدید نیروی کار روستایی و خانواده و دستگاه زراعی او صرف می‌شده و محصول اضافی که مالک فئودال و یا دولت فئودال تصاحب می‌کرده، بیشتر به حال فئودال و کمتر برای تولیدکننده بلاواسطه مساعد و مفید بوده است. شیوه مزارعه امکان توسعه تولیدات را به روستایی نمی‌داده و مالک زمین گاهی حتی در فقر روستایی ذی‌نفع بوده است، به این معنی که هر قدر کشاورز بینواتر بوده مالک می‌توانسته

شرایط سخت‌تر و اسارت‌آمیزتری را به وی تحمیل کند، زیرا سهم مالک از محصول در صورتی که مشارالیه علاوه بر زمین و آب، عوامل (دامکاری) و تخم و آلات کار را در اختیار زارع می‌گذاشت افزوده می‌گشته است. شیوه پرداخت مساعده از طرف مالک به زارع برای تهیه اسباب و وسایل زراعت چون با رباخواری توأم می‌گردیده اسارت و انقیاد روستایی را شدیدتر می‌ساخته است». در مورد شیوه بهره‌برداری بر اساس مزارعه، عبداللهیان (۱۱۵، ۲۰۰۵) می‌نویسد: «مالکان زمین‌های‌شان را به واحدهای مزارعه (بنه‌ها) اجاره می‌دادند. باید بگوییم که زمین‌های هر روستا به واحدهایی به نام بنه تقسیم شده بود». سخن عبداللهیان به گونه‌ای غیر مستقیم در تأیید نظر فرهادی در باب محدوده جغرافیایی بنه‌هاست و در واقع تمام آنچه در ایران تحت عنوان بهره‌برداری مبتنی بر مزارعه بوده بنه یا به عبارتی بهره‌برداری گروهی خوانده شده است. در ادامه به توضیحات بیشتر در مورد بنه‌ها پرداخته می‌شود.

نظام بهره‌برداری ارضی مبتنی بر مزارعه در کردستان

در این نوع از بهره‌برداری مالک صاحب ملک است و زمین‌های قابل کشت تحت مالکیت خود را به صورت قرارداد شفاهی به کشاورزان واگذار می‌کند. این نوع قرارداد در نظام بهره‌برداری ایران از قدیم مزارعه خوانده می‌شده است. ویژگی‌های این نوع از بهره‌برداری در کردستان به این شکل بوده است که مالک براساس عرف محل، قطعه زمینی به کشاورز برای کشت واگذار می‌کرده است که در محل معمولاً چنین تلقی می‌شد که: «مالک تکه زمینی را به ما می‌داد یا مالک موچه^۱ زمینی را به ما می‌داد». قطعه‌های زمین کشاورزی تنها دارای اسامی خاص بوده‌اند و تحت عنوان دیگری خوانده نشده‌اند. هیچ گونه نظام سلسله‌مراتبی از قبیل آبیاری، دم آبیاری، گاوبند و مانند اینها بر زمین و بهره‌برداری از زمین حاکم نبوده است. اساس واگذاری زمین میزان توانایی کشاورز بوده، توانایی کشاورز اعم از نیروی ابزاری کار یعنی تعداد گاوهای

۱. تکه و موچه هر دو واژه در معنای قطعه به کار برده می‌شوند.

کار و نیروی انسانی کار بوده است؛ البته نیروی ابزاری کار نقش مهم‌تری داشته و در واقع شرط اصلی بوده است و کسی که فاقد گاوکار بوده باشد فاقد زمین کشاورزی نیز بوده است. تنها طرفین قرارداد در واگذاری زمین مالک و کشاورز بوده‌اند و هیچ فرد دیگری در این امر دخالت نداشته است. در محل نیز کسی را که از جانب مالک زمین کشاورزی دریافت می‌کرد تحت همان عنوان کشاورز و یا جووت بَنَه^۱ می‌خواندند. در مورد بذر نیز کشاورزان می‌گویند حتی الامکان بذر را نیز خودمان تهیه می‌کردیم. اگر به دلیل کمی محصول و یا هر مشکل دیگری کشاورز قادر به تهیه بذر نبوده، می‌توانسته از مالک قرض بگیرد و سر خرمن قرض را به همان مقداری که قرض گرفته بود پس بدهد. کشاورزان خود اظهار می‌داشتند که: «همان مقداری را که قرض گرفته بودیم پس می‌دادیم نه مقدار بیشتری را»، این گونه کمک‌ها را مساعده می‌نامیدند. رسم تقسیم دوری یا چرخشی زمین که هر سال یا هر چند سال یک بار به وسیله پشک انجام می‌شود نیز در نظام بهره‌برداری از زمین در کردستان وجود ندارد. بعضی از مصاحبه‌شوندگان اظهار می‌داشتند که زمینی که روی آن کار می‌کرده‌اند سه جد قبل از آنها نیز بر روی آن کار کرده است. بعضی نیز در طول زندگی خود سه یا چهار روستا را ترک گفته و هر بار جایی مشغول کار کشاورزی شده بودند. در همین زمینه در چند مصاحبه کشاورزان چنین اظهار می‌کردند که «زمینی که اکنون روی آن کار می‌کنم زمینی است که سه نسل پیش از من نیز روی آن کار کرده است و در اصلاحات ارضی همین زمین‌ها نصیب ما شد». در چند مصاحبه دیگر نیز این گونه اظهار می‌شد که:

چون مالک روستای ما من را به سربازی فرستاد پدر من با مالک اختلاف پیدا کرد و از آن روستا کوچ کرد و به فلان روستا رفت و در آنجا نیز با مالک مشکل پیدا کرد و بعد از آن به همین روستایی که اکنون من هستم آمد و چون گاوکار خوب و زیاد داشتیم مالک زمین‌های زیادی به پدرم داد و بعد از اصلاحات ارضی هم همین زمین‌ها مال خودمان شد.

۱ به معنی کشاورز است.

یا اظهارنظری از این قبیل:

چون مالک خواست اسب من را قرض بگیرد و من اسبم را به او ندادم با او اختلاف پیدا کردم، پس از روستا زدم بیرون و به فلان روستا رفتم؛ در آنجا خانواده‌ای تازه کوچ کرده بودند و زمین‌هایی که روی آن کار کرده بودند هنوز بی کشاورز مانده بود و من چون گاوکار خوب داشتم مالک آن زمین‌ها را به من داد و همان‌جا مشغول به کار شدم بعد از اصلاحات ارضی نیز توانستم زمین‌های هر دو روستا را به نام خودم ثبت کنم.

در واقع تا زمانی که بین مالک و کشاورز اختلاف و یا مشکلی نبوده است، کشاورز می‌توانست بر روی زمین‌ها کار کند. در هر صورت رسم گردش منظم زمین‌ها به صورت هر یک یا چند سال به وسیله پشک وجود نداشته و هیچ‌گونه نظام سلسله‌مراتبی نیز در نظام بهره‌برداری ارضی در کردستان وجود نداشته است. همچنین مبنای مجوز کار بر روی زمین‌ها بر خلاف بنه‌ها چیزی به نام حق نسق نبود بلکه داشتن گاوکار بوده است.

اشاره به این نکته نیز اهمیت دارد که کشت غالب در سراسر کردستان گندم و جو بوده است. بعد از گندم و جو و متناسب با جنس خاک و آب‌وهوای مناطق مختلف کردستان، محصولاتی از قبیل: برنج، تنباکو، نخود، لوبیا، ذرت، پنبه، صیفی‌کاری باغداری اعم از: گردو، توت، سیب، زردآلو، هلو و مانند اینها کشت می‌شده است. مالک بر اساس عرف محل اقدام به گرفتن سهم خود از زمین‌هایی می‌کرد که به کشاورزان واگذار کرده بود. بهره مالکانه کشت غالب (گندم و جو اعم از آبی و دیم)، «ده - دو یا ده و دو» بوده است که هر دو اصطلاح بنا به تعریف خود کشاورزان و مالکان معادل دودهم بوده، یعنی از هر ۱۰ قسمت محصول، ۲ قسمت سهم مالک و بقیه یعنی هشت قسمت دیگر سهم کشاورز بوده است. در بعضی مناطق اصطلاح «پنج - یک» به کار می‌رفته است که این هم بنا به تعریف خود کشاورزان و مالکان بدین معنا بوده که از هر ۵ قسمت محصول، ۴ قسمت سهم کشاورز و ۱ قسمت سهم مالک بوده است.

منبع آب برای آبیاری زمین‌های کشاورزی اعم از آب قنات، رودخانه و چشمه بوده است. کشاورزان خود آب را معمولاً به صورت جویبار به طرف زمین‌ها هدایت می‌کردند و خود به

آبیاری زمین‌های خود می‌پرداخته‌اند. برای نمونه می‌توان به جدول ۱ اشاره کرد که شامل روستاهایی است که از چهار منطقه جغرافیایی استان کردستان نمونه‌گیری شده‌اند. جدول ۱، سهم مالک از محصولات و منبع آبیاری زمین‌های آبی را به نمایش گذاشته است.

جدول ۱. بهره مالکانه محصولات کشاورزی در کردستان قبل از اصلاحات ارضی

شهرستان	نام روستا ^۱	گندم و جو دیم	منبع آبیاری	گندم و جو آبی
مریوان	خومیراوا، بالک، زویران، گویزه کویره، برده رشه	$\frac{۲}{۱۰}$	رودخانه، چشمه، قنات	$\frac{۲}{۱۰}$
سروآباد	رزآب، گوشخانی، نسل	$\frac{۲}{۱۰}$	قنات، رودخانه	$\frac{۲}{۱۰}$
سندج	تودار ملا	$\frac{۲}{۱۰}$	آب‌های جاری	$\frac{۲}{۱۰}$
کامیاران	کاشتر، پالنگان	$\frac{۲}{۱۰}$	آب‌های جاری	$\frac{۲}{۱۰}$
بیجار	خسروآباد، صلوات‌آباد	$\frac{۱}{۵}$	آب رودخانه	$\frac{۱}{۵}$
بیجار	قبا سرخ	$\frac{۱}{۵}$	قنات	$\frac{۱}{۵}$
سقز	شیخ‌له، قوتلو، چاپان علیا، مامشا	$\frac{۲}{۱۰}$	چشمه، قنات	$\frac{۲}{۱۰}$
سقز	سنته	$\frac{۲}{۱۰}$	رودخانه	$\frac{۲}{۱۰}$
سقز	قلعه کهنه، تومار قامیش	$\frac{۲}{۱۰}$	قنات	$\frac{۲}{۱۰}$

۱. این روستاها اعم از روستاهایی هستند که در طول تحقیق در مورد نظام زمین‌داری آنها اطلاعاتی جمع‌آوری شده است. تمامی آنها یا متعلق به مالکانی بوده که با آنها مصاحبه شده است و یا کشاورزی که در دوره قبل از اصلاحات ارضی در آن روستاها زندگی کرده و با آنها مصاحبه انجام گرفته و قوانین نظام زمین‌داری و بهره مالکانه از سوی مصاحبه‌شوندگان اظهار شده است.

استخراج از مصاحبه‌های انجام‌شده

نتیجه آنکه نظام بهره‌برداری مبتنی بر مزارعه در کردستان تحت عنوان بنه یا هیچ نام دیگری خوانده نشده است. مقاله حاضر ما مدعی است که نظام بهره‌برداری از زمین در کردستان ویژگی‌های متفاوتی از سایر روستاها داشته است، که برای نشان دادن این تفاوت در ادامه به مختصات بنه می‌پردازیم.

نظام بهره‌برداری گروهی (بنه) و ویژگی‌های آن

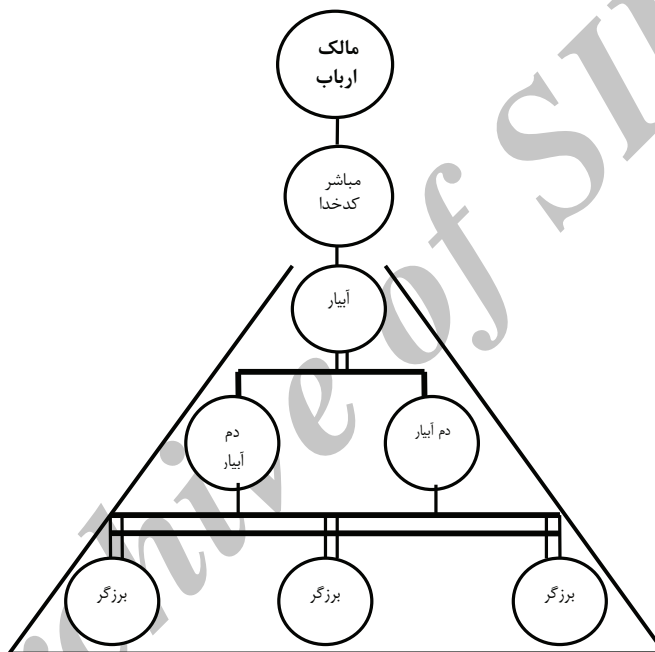
صفی‌نژاد (۱۳۶۸، ۲۱) بنه را این گونه تعریف می‌کند:

بنه عبارت از یک واحد مستقل زراعی بود که: عده‌ای دهقان با سمت‌های مشخص اجتماعی بر اساس تقسیم کاری که مبتنی بر امتیازهای اقتصادی و منزلت‌های اجتماعی بود در یک یا چند قطعه زمین مشخص به کشت و زرع در آن می‌پرداختند. نیروی شخم (گاوکار) مقدار آب معین و تعداد ابزار کار متعلق به بنه به مدت یک‌سال زراعی از مسائل ضروری و اولیه آن محسوب می‌شد. اندازه زمین بنه‌های یک ده تقریباً و اندازه مقدار آب آنها تحقیقاً مساوی بود. عضویت دهقانان در بنه با حق نسق داشتن و سکونت مستمر در آبادی، آگاهی از فنون کشاورزی و موافقت ارباب (و یا نماینده ارباب) مربوط می‌شد. مدت عضویت هر دهقان در یک بنه معمولاً یک سال زراعی بود که ممکن بود این عضویت سال‌های متمادی نیز ادامه یابد. هر عضو ساده بنه (برزگر) می‌توانست تا مقام آبیاری (سربنگی) ارتقا یابد. تعویض اعضای بنه معمولاً به وسیله آبیاران صورت می‌گرفت که ممکن بود اجباری و یا با تمایل عضو بنه انجام پذیرد.

تقسیم کار در بنه

افرادی که در بنه کار می‌کردند مطابق شکل ۳ به سه گروه: آبیار، دم آبیار و برزگر تقسیم می‌شدند. حقوقی که عرف محل برای هر یک از این گروه‌ها معین کرده بود مبین وضع گروهی

آنها بود. هر گروه به کارهای مربوط به خود آگاهی کامل داشت، هیچ کس در کار دیگری دخالت نمی‌کرد، مگر در مواقع ضروری که بزرگر کارهای دم‌آبیاری و دم‌آبیاری مربوط به آبیاری را انجام می‌داد. این تقسیم کار بر اساس عرف محل انجام گرفته بود (صفی‌نژاد، ۱۳۶۸، ۱۲۸-۱۲۷).



شکل ۳. نمودار سلسله‌مراتب اجتماعی در بنه

منبع: صفی‌نژاد، ۱۳۶۸، ۱۱۱

اعضای واحدهای زراعی گروهی (یا بنه) دارای حق نسق بودند و این حق مجوزی برای شرکت در این گروه‌ها بود آن‌چنان که خسروی (۱۳۵۷، ۲۲-۲۱) و خسروی (۲۵۳۵، ۱۲۸-۱۲۹) می‌نویسد: «نسق عبارت است از قواعد و نظام عرفی و حقوقی در استفاده از آب و زمین در اراضی مزروعی آبی و دیمی. زارعان صاحب نسق این حق را با پیدا کردن حق ریشه،

یعنی با کار کردن حداقل بیش از یک سال در زمین‌های مزروعی پیدا می‌کردند. به افرادی که حق نسق در زمین‌های مزروعی داشتند صاحب نسق می‌گفتند». البته صاحب نسق بودن برای اعضای ساده بنه یا برزگران تنها از موانع ورود به بنه بوده و در نهایت نوعی امنیت کاری برای آنها ایجاد نمی‌کرده است. آن چنان که صفی‌نژاد (۱۳۶۸، ۱۲۵) می‌نویسد: «صاحب نسق بودن اعضای ساده بنه اهمیت چندانی نداشت. ارباب و یا کدخدا به راحتی می‌توانستند به کار اعضا در بنه خاتمه دهند».

از دیگر ویژگی‌های نظام بهره‌برداری گروهی این بوده است که بر اساس عرف محل همه‌ساله در یک مجمع عمومی با حضور زارعان بر اساس پشک، زمین‌های خوب یا بد ده به تعداد بنه‌ها تقسیم می‌شد و یک شبانه‌روز آب به هر یک از آنها تعلق می‌گرفت. زمین و آب و متعلقات مربوط به بنه در یک سال زراعی به همان شکل باقی بود و در سال بعد احتمال تغییر عوامل منقول و غیرمنقول بنه نیز می‌رفت؛ در بنه‌بندی تعداد قطعات زمین، انتخاب زمین برای نوع کشت، تعداد افراد، تعداد جفت گاو، میزان مساعده و امثال آن مشخص می‌شد. این کار را بنه‌بندی می‌گفته‌اند. قسمت اعظم بنه‌بندی با پشک انجام می‌گرفت، تعیین قطعات زمین، انتخاب گاوها، مشخص شدن ابزار کار و بالاخره روز نوبت آبیاری همه با پشک صورت می‌گرفت تا بنه‌بندی کامل شود و اینها همه بایستی قبل از شروع سال زراعی جدید به اتمام می‌رسید؛ که معمولاً در نیمه دوم شهریور ماه انجام می‌گرفت. پشک نوعی قرعه‌کشی بوده که برای مشخص ساختن برخی عوامل و ابزار کار بنه‌ها در جلسه‌ای در حضور آبیاران، کدخدا، ارباب، و یا نماینده آنها قبل از آغاز سال زراعی و پس از انتخاب سربنه‌ها صورت می‌گرفت. انواع پشکی که بدین ترتیب انجام می‌یافت عبارت بود از: پشک زمین، پشک گاوکار، پشک ابزارکار، پشک نوبت آب (خسروی، ۱۳۵۷، ۲۳-۲۲، صفی‌نژاد، ۱۳۶۸، ۲۴).

شیوه تقسیم محصولات

سه‌م محصول هر دهقان بستگی به موقعیت آن دهقان در بنه داشت، به آبیار بیشترین سهم و به برزگر کمترین سهم از محصول بنه تعلق می‌گرفت. ریاست بنه با سربنه بود که او را آبیار

خطاب می‌کردند، هر آبیاری دارای دو معاون نیز بود که «دم‌آبیاری» نامیده می‌شدند و سه بزرگتر که زیر نظر دم‌آبیاری کار می‌کردند (صفی‌نژاد، ۱۳۶۸، ۲۲-۲۱ و ۱۰۸). جدول ۲ شیوه تقسیم محصول پاییزه را در روستاهای مختلف که دارای بنه بوده‌اند نشان می‌دهد.

جدول ۲. شیوه تقسیم محصول زراعت (گندم و جو) پاییزه در بنه‌ها

تهیه بذری	مخارج شخم	تعداد اعضای بنه‌ها	درصد تقسیم محصول			نام ده
			سهام دهقانان بنه	سهام گاویند ^۱	سهام مالک	
گاویند	گاویند	۵	۲۵	۳۵	۴۰	فیروزآباد
اریاب	اریاب	۶	۳۳	—	۶۷	طالب‌آباد
اریاب	اریاب	۵	۲۵	—	۷۵	ولی‌آباد
اریاب	اریاب	۶	۳۳	—	۶۷	قمی‌آباد
گاویند	گاویند	۵	۳۰	۲۵	۴۵	چاله‌طرخان
اریاب	اریاب	۶	۲۵	۲۵	۵۰	نظرآباد
اریاب	اریاب	۱۳	۲۰	—	۸۰	حسین‌آباد
گاویند	گاویند	۹	۲۵	—	۷۵	علائین

منبع: صفی‌نژاد، ۱۳۶۸، ۱۳۷

نتیجه آنکه در مناطقی که بنه‌ها رواج داشتند تنها راه مشارکت دهقانان از راه نسق امکان‌پذیر بوده است. اما نظام بهره‌برداری از زمین در کردستان آن چنان که ذکر آن رفت تفاوت‌هایی با این بنه‌ها داشته و برای نمایش این تفاوت‌ها به مقایسه این دو نظام مطابق با جدول ۳ پرداخته شده است، تا بتوان آثار نظری آن را بر تحلیل‌های آینده از نظام‌های متکثر بهره‌برداری از زمین در ایران تبیین کرد.

۱. در بعضی از بنه‌ها مالکیت عوامل غیرمنقول (بذر، گاو و نیروی کار) به عهده شخص دیگری بوده است که گاویند گاویند نامیده می‌شد و به این گونه بنه‌ها بنه گاویندی گفته‌اند (صفی‌نژاد، ۱۳۶۸، ۲۱۶).

مقایسه نظام بهره‌برداری در کردستان با نظام بهره‌برداری جمعی (بنه)

جدول ۳. مقایسه بنه با نظام بهره‌برداری در کردستان

نظام بهره‌برداری جمعی از زمین (بنه)	نظام بهره‌برداری از زمین در کردستان
بنه یک واحد بهره‌برداری جمعی است.	تکه (قطعه) زمین کشاورزی وجود دارد نه واحد بهره‌برداری جمعی
اندازه زمین بنه‌های یک ده تقریباً مساوی بوده است.	اندازه قطعه‌های زمین نامساوی و مشتمل بر قطعه‌های کوچک و بزرگ بوده است.
هر بنه متعلق به ۱۳-۵ نفر است (ن.ک. جدول ۲)	هر تکه زمین متعلق به یک نفر کشاورز است.
در بنه‌ها حق نسق و یا حق گاوبندی وجود دارد و این امر با سکونت مستمر فرد در آبادی ایجاد می‌شده است و حق نسق موجب شرکت فرد در واحدهای زراعی می‌شده است.	در این نظام حق نسق و یا حق گاوبندی وجود ندارد. فرد با داشتن گاو کار می‌توانسته است روی قطعات زمین کشاورزی به امر کشاورزی و تولید بپردازد.
منبع آبیاری در این نظام قنات است و لذا مالک سهمی بابت آب نیز از محصول برمی‌دارد.	منبع آبیاری در این نظام قنات، رودخانه و مانند آن است اما سهم مالک از محصول غلات در زمین‌های آبی و دیم به یک میزان است. در واقع مالک سهمی از محصول بابت آب نمی‌گیرد، حتی اگر آبیاری تنها به وسیله قنات هم بوده باشد.
در بنه سلسله‌مراتب اجتماعی وجود دارد، مطابق با شکل ۳ سلسله‌مراتب اجتماعی در بنه‌ها عبارت است از: مالک، مباشر، آبیار، دم آبیار، زارع.	در این نظام سلسله مراتب اجتماعی وجود ندارد. کشاورز تنها به واسطه زمین به مالک وابسته است و برای کار کشاورزی خود مستقل است و از کسی دستور نمی‌گیرد.
اعضای بنه‌ها به صورت چرخشی و به وسیله پشک هر سال یا هر چند سال یکبار عوض می‌شوند.	در این نظام چرخش زمین‌ها به صورت دوره‌ای و منظم در دست افراد وجود ندارد. حتی پس از فوت کشاورز اگر افراد خانواده او قادر به نگهداری و کشت زمین بودند زمین در اختیار آنها باقی می‌ماند.
سهم اعضای بنه از محصول بستگی به موقعیت آنها در بنه داشت. به آبیار بیشترین سهم و به بزرگ‌گرمترین سهم از محصول بنه تعلق می‌گرفت. سهم بزرگران در این نظام مطابق جدول ۲ مابین ۲۰-۳۳ درصد است. مثلاً اگر بنه‌ای سه بزرگ داشته است سهم مجموع سه نفر ۳۳ - ۲۰ درصد بوده است.	فقط مالک از محصول سهم می‌برد که از کشت غالب (گندم و جو) مطابق جدول ۱ سهم مالک ۲۰ درصد و سهم کشاورز ۸۰ درصد است.
در این نظام برای کسی که روی زمین کار کشاورزی می‌کند و از اعضای بنه فرض می‌شود لفظ بزرگ به کار برده می‌شد. بزرگ فاقد ابزار کار کشاورزی است و فقط کارگر کشاورزی محسوب می‌شود. بزرگ از افراد بالاتر از خود دستور می‌گیرد و اختیاری بابت اجاره دادن زمین و یا نهاده‌های دیگر ندارد.	در این نظام کسی که از مالک قطعه زمینی دریافت داشته تا روی آن کار کند، تحت عنوان کشاورز خوانده شده است. کشاورز به طور موقت صاحب زمین می‌شود و حتی می‌تواند زمین خود را به کس دیگری اجاره دهد.

تفاوت‌های ترسیم‌شده در جدول ۳ حاکی از آن است که در ایران نظام‌های بهره‌برداری متفاوتی تحت عنوان آنچه نظام بهره‌برداری مبتنی بر مزارعه خوانده شده است، وجود دارد که هر کدام از این نظام‌ها دارای خصایص و ویژگی‌های مربوط به خود است. از این رو تحلیل‌های موجود دربارهٔ مزارعه نمی‌تواند بر تمام مناطق ایران به طور همسان صادق باشد. داده‌های به دست آمده از مطالعات میدانی در مورد نظام بهره‌برداری ارضی در کردستان در مواردی چند آنچه را تا کنون در خصوص مزارعه گفته شده است به چالش می‌کشند. در این زمینه می‌توان به مواردی از این قبیل اشاره کرد: ۱- در تقسیم محصول بنابر جدول ۱ آب حتی اگر از قنات تهیه شده باشد سهمی را به خود اختصاص نمی‌دهد و در تمام موارد سهم مالک از محصول $\frac{1}{5}$ یا $\frac{2}{10}$ است و می‌توان گفت عرف محل، بر مزارعه بر اساس پنج سهم غلبه یافته است. ۲- در مساعده، ربایی وجود ندارد؛ در واقع کشاورز همان مقداری را که قرض گرفته است پس می‌دهد و نه بیشتر. ۳- کشاورز صاحب ابزار کار است و با ابزار کارش خود روی زمین متعلق به مالک به کشت و زرع می‌پردازد و اساساً شرط دریافت زمین از جانب مالک داشتن گاوکار است و این امر می‌تواند دلیلی بر تلاش برای صاحب ابزار کار شدن باشد- و این نیز خود به معنای توانایی کشاورز است. در نظام بهره‌برداری ارضی مبتنی بر مزارعه در کردستان نمی‌توان پذیرفت که مالک در فقر کشاورز ذی‌نفع بوده است. در واقع آنچه عیان است این است که تحقیقات گذشته مبتنی بر دیدگاه اثبات‌گرایانه در پی تلاش برای اطلاق مفاهیم همسان بر واقعیت‌های متعدد بوده‌اند و هم‌زمان در تلاش برای اثبات دیدگاه نظری خود از دیدن بسیاری از واقعیات غافل مانده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به تشریح ویژگی‌های نظام بهره‌برداری ارضی گروهی (بنه) و نظام بهره‌برداری ارضی در کردستان و تطبیق ویژگی‌های این دو نظام آن‌چنان که ذکر آن رفت، می‌توان گفت: نظام

بهره‌برداری گروهی (بنه‌ها) در کردستان وجود نداشته و نظام بهره‌برداری در کردستان متفاوت از بنه‌ها با ویژگی‌های آن بوده است. از این رو محدوده جغرافیایی بنه‌ها مطابق با نقشه فرهادی و آرای لمبتون در این باره صحیح به نظر نمی‌رسد، بلکه محدوده جغرافیایی بنه‌ها مطابق با نقشه صفی‌نژاد به واقعیت نزدیک‌تر است و مطابق با نقشه صفی‌نژاد کردستان خارج از محدوده جغرافیایی بنه‌ها قرار دارد. همچنین از مقایسه این دو نظام به این نتیجه می‌رسیم که نظام مبتنی بر مزارعه مصادیق متفاوتی در نقاط مختلف ایران داشته و نمی‌توان همه آنچه را که مبتنی بر مزارعه بوده است، بنه خواند. همچنین بر اساس یافته‌های میدانی این تحقیق ویژگی‌های ذکرشده برای مزارعه، در مورد کردستان به عنوان یکی از مصادیق مزارعه صادق نیست و آنچه در مورد مزارعه گفته شده تحلیلی تک‌سویه و اثبات‌گرایانه است.

این یافته‌ها بسیاری از گره‌های مبهم درک نظری درباره نظام ارضی ایران را باز می‌کند. از جمله می‌توان به روابط تولیدی در دوره قبل از اصلاحات ارضی اشاره کرد که گمان می‌رفت در همه ایران و بلکه خاورمیانه یکنواخت بوده است، در حالی که مطالعات ما نشان می‌دهد طبقات اجتماعی در روستاهای مازندران از الگوی بنه‌ها پیروی نمی‌کرده و نظام طبقاتی خاص خود را داشته است. مثلاً در حالی که بسیاری از زمین‌های بنه‌ها تحت سلطه مالکان غایب بود، مالکیت غایب در کردستان وجود نداشته است. توزیع مازاد تولید نیز در کردستان منطقی‌تر و عادلانه‌تر از نظام توزیع در بنه‌ها بوده است. نقش گروه‌های واسط نظیر دلالان هم در کردستان کمتر بوده است. اما علل عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی کشاورزی کردستان را باید با ارتباط ساختاری آن با سایر مناطق مرتبط دانست.

همانطور که مشاهده می‌شود بسیاری از تحلیل‌هایی که درباره نظام ارضی ایران صورت می‌گرفته است باید با یافته‌های جدید از کردستان تغییر کند. دینامیسم طبقاتی در کردستان با سایر مناطق مشاهده نشده، در حالی که این دینامیسم در مناطق بنه‌خیز بسیار رایج بوده است. به عنوان نمونه می‌توان به نقش کشاورزان قمی و یزدی در اجاره‌کاری و صیفی‌کاری در مناطقی به غیر از قم و یزد اشاره کرد.

منابع

- ادیب حاج‌باقری محسن و دیگران، ۱۳۸۶، **روش‌های تحقیق کیفی**، چاپ اول، انتشارات بشری، تهران.
- ایازی برهان، ۱۳۷۱، **آیینۀ سنج**، چاپ اول، انتشارات پیام، تهران.
- بروبین سن مارتین وان، ۱۳۷۸، **جامعه‌شناسی مردم کرد (آغا؛ شیخ، دولت)**، ابراهیم یونسی، چاپ اول، نشر پانید، تهران.
- پتروشفسکی ایلیل پاولوویچ، ۱۳۴۴، **کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول (قرن‌های سیزده و چهارده)**، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات دانشگاه تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران.
- خسروی خسرو، ۱۳۵۷، **جامعه‌دهقانی در ایران**، چاپ اول، انتشارات پیام، تهران.
- خسروی خسرو، ۲۵۳۵، **جامعه‌شناسی روستای ایران**، چاپخانه کیهانک.
- صالحی ماموستا اسماعیل (-)، **دیوانی صهبور و تاریخچه قه‌لای حه‌سن‌ئاوا و ژبانی فه‌لاکان له رابردودا**، سنندج، ئینتشارات مه‌سعود.
- صفی‌نژاد جواد، ۱۳۶۳، **مبانی جغرافیای انسانی با اشاراتی به جغرافیای انسانی ایران**، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- صفی‌نژاد جواد، ۱۳۶۸، **بنه در ایران**، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- طالب مهدی و عنبری موسی، ۱۳۸۴، **جامعه‌شناسی روستایی با تأکید بر ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران**، چاپ اول، دانشگاه تهران، تهران.
- ع. ق، ۲۰۰۷، **کوردستان و کورد**، ترجمه و. حسن‌زاده، هه‌ولیر، کتیب‌خانه ئاویر.
- عبدی پویا قادر، ۱۳۵۴، **نظام آبیاری و زمین‌داری در سلیمان‌کندی کردستان**، پایان‌نامه کارشناسی، استاد راهنما: دکتر خسرو خسروی.
- غه‌فور عب‌دوللا، ۲۰۰۰، **جوگرافیای کوردستان**، چاپی دووه‌م، سلیمانی، چاپ و په‌خشی سه‌رده‌م.
- فرهادی مرتضی، ۱۳۸۵، **فرهنگ یاریگری در ایران: درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون**، چاپ چهارم، مرکز نشر دانشگاهی، جلد اول، تهران.

لمیتون ا.ک.اس، ۱۳۴۵، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.

محمدپور احمد، ۱۳۸۹، ضد روش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، جلد ۱، چاپ اول، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.

Abdollahyan Hamid, 2004., **Conceptualization of Reality in Historical Sociology: Narrating Absentee Landlordism in Iran**, Sayeroshan, Tehran.

Llobera Josep, 1998, **Historical and Comparative Method**, in seale, C.d. Researching Society and Culture. London. Sage. PP. 72-91.

Mahoney James, Rueschemeyer Dietrich., 2003, **Comparative Historical Analysis in the Social Sciences**, First Publishd, Cambridge University Press,

منابع مصاحبه‌های حضوری

- اردوانی رشید (حاج رشید)، روستای بالک، شهرستان مریوان، تاریخ مصاحبه، ۱۳۸۸/۵/۲۲.
- بهمنی پیروز، روستای تودار ملا، شهرستان سنندج، تاریخ مصاحبه: ۱۳۸۸/۵/۲۵.
- پیشکاری سیروس (سیروس خان)، شهرستان بیجار، تاریخ مصاحبه: ۱۳۸۸/۵/۳۰.
- حیدری احمد (حاج احمد بگ)، روستای گویره‌کویه، شهرستان مریوان، تاریخ مصاحبه: ۱۳۸۸/۵/۲۲.
- حیدری برزون (برزون بگ)، روستای بالک، شهرستان مریوان، تاریخ مصاحبه: ۱۳۸۸/۵/۲۲.
- خامه عبدالرحیم (حاج عبدالرحیم)، روستای زیویه، شهرستان سفز: تاریخ مصاحبه: ۱۳۸۹/۳/۲۱.
- خدا بخشی ولی (سید ولی)، روستای قبا سرخه، شهرستان سروآباد، تاریخ مصاحبه: ۱۳۸۸/۵/۳۰.
- خدمتگزار علی، روستای ده‌رته‌تفی، شهرستان مریوان، تاریخ مصاحبه: ۱۳۸۸/۵/۲۲.
- رضانی عبدالقادر، روستای پالنگان، شهرستان کامیاران، تاریخ مصاحبه: ۱۳۸۸/۵/۱۱.
- روحانی موسی، روستای کاشتر، شهرستان کامیاران، تاریخ مصاحبه: ۱۳۸۸/۵/۱۱.
- سلطانی هورامی مظفرهمین (مظفرخان)، روستای زرآب، شهرستان سروآباد، تاریخ مصاحبه: ۱۳۸۸/۵/۲۳.

- علیخانی ولی، روستای خسروآباد، شهرستان بیجار، تاریخ مصاحبه: ۱۳۸۸/۵/۲۹.
- فتاحی اسماعیل، روستای نسل، شهرستان سروآباد، تاریخ مصاحبه: ۱۳۸۸/۵/۲۴.
- فتاحی محمد، روستای برده‌ره‌شه، شهرستان مریوان، تاریخ مصاحبه: ۱۳۸۸/۵/۱۹ و ۱۳۸۸/۵/۲۰.
- فیض‌الهی قادر، روستای قلعه کهنه، شهرستان سقز، تاریخ مصاحبه، ۱۳۸۹/۳/۲۱.
- محمدی توفیق (توفیق بگ)، روستای گوشخانی، شهرستان سروآباد، تاریخ مصاحبه: ۱۳۸۸/۵/۲۳.
- محمدی خلیل، روستای سننه، شهرستان سقز، تاریخ مصاحبه: ۱۳۸۹/۳/۶.
- هاشمی ستار (سید ستار)، روستای صلوات‌آباد، شهرستان بیجار، تاریخ مصاحبه: ۱۳۸۸/۵/۲۹.